

The Relationship between Successful Intelligence and Wisdom with Learning English in Male and Female Learners in Ghaemshahr, Babol and Sari Cities

Saeed Esmail Nia¹, Gholamreza Sarami^{2,*} & Shokosadat Bani Jamali³

1- Ph.D. student of Educational Psychology, Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran, Iran

2- Assistant Professor of Educational Psychology, Kharazmi university, Tehran, Iran

3- Associate Professor of Psychology, Al-Zahra university, Tehran, Iran

Received: 2019/02/15

Accepted: 2019/06/03

Keywords:

Successful intelligence,
Wisdom, Learning English

Baqiatallah
University of Medical
Sciences

Abstract

Introduction: Considering the importance of successful intelligence and wisdom, the purpose of this study was to investigate the relationship between intelligence and wisdom with learning English in male and female learners.

Methods: This research is descriptive and correlational. In this research, the statistical population includes all the English language learners (girls and boys) from Ghaemshahr, Babol and Sari cities, in 2018. From the 625 learners, 351 of them were boys and 274 of them were girls who selected by cluster sampling. The research instruments were Sternberg's successful intelligence questionnaire and wisdom scale questionnaire (3D-WS) developed by Ardelt.

Results: Pearson's correlation method was used to analyze the results. In general, the findings of this study showed that there is a significant relationship between successful intelligence and wisdom in increasing the learning skills of English learners ($P < 0.01$).

Conclusion: The results of this study showed that there is a positive relation between successful intelligence and wisdom with learning English. The results suggest some techniques in order to increase the quality of education at four main skills in learning English.

* Corresponding author at: Gholamreza Sarami, Assistant Professor of Educational Psychology, Kharazmi university, Tehran. ghrsar2@gmail.com.

رابطه بین هوش موفق و خرد با یادگیری زبان انگلیسی در زبان آموزان دختر و پسر شهرستان‌های قائم‌شهر، بابل، ساری

سعید اسمعیل نیا^۱، غلامرضا صرامی^{۲*} و شکوه السادات بنی جمالی^۳

۱. سعید اسمعیل نیا، دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

۲. غلامرضا صرامی، استادیار گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: ایمیل: ghrsar2@gmail.com

۳. شکوه السادات بنی جمالی، دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۳

کلیدواژه‌ها:

هوش موفق، خرد، یادگیری زبان انگلیسی

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) محفوظ است.

مقدمه: با توجه به اهمیت هوش موفق و خرد، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین هوش موفق و خرد با یادگیری زبان انگلیسی در زبان آموزان دختر و پسر می‌باشد. آموزش هوش موفق و خرد می‌تواند مزایایی برای معلمان و یادگیرندگان داشته باشد و یادگیری را به خصوص در یادگیرندگان زبان انگلیسی تقویت کند. **روش:** روش این پژوهش از نوع توصیفی و هم‌بستگی می‌باشد. در پژوهش حاضر جامعه آماری شامل کلیه زبان آموزان زبان انگلیسی دختر و پسر شهرستان‌های قائم‌شهر، بابل، ساری که در سال ۹۷ - ۱۳۹۶ مشغول به تحصیل می‌باشند که از این تعداد، نمونه‌ای به حجم ۶۲۵ نفر انتخاب گردید که از این تعداد ۳۵۱ نفر پسر و ۲۷۴ نفر دختر بودند که به شیوه طبقه‌ای انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌های هوش موفق استرنبرگ، خرد آردلت نیز ابزار پژوهش را تشکیل می‌دهند. **یافته‌ها:** برای تحلیل نتایج از روش هم‌بستگی پیرسون استفاده شد. در مجموع یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین هوش موفق و خرد در افزایش یادگیری یادگیرندگان زبان انگلیسی رابطه معناداری ($P < 0.01$) وجود دارد. **نتیجه‌گیری:** نتایج به دست آمده نشان داد که با بهره‌گیری از هوش موفق و خرد در یادگیری یادگیرندگان زبان انگلیسی می‌توان آموزش را سرعت بخشید و در نتیجه برای افزایش چهار مهارت اصلی در یادگیری زبان انگلیسی، تکنیک‌هایی جهت بهبود کیفیت آموزش آن‌ها پیشنهاد می‌گردد.

مقدمه

سطح پیشرفت تحصیلی آنان بسیار تأثیرگذار است و بسیاری از مشکلاتی که در جامعه و خصوصاً مدارس وجود دارد را با کمک هوش موفق می‌توان از بین برد.

معلمان باید تلاش کنند تا موفقیت هر دانش‌آموز را در مدرسه به حداکثر برسانند و بهترین روش آن‌ها برای رسیدن به این هدف، ایجاد دامنه وسیعی از مهارت‌هاست به گونه‌ای که دانش‌آموزان امکان تلاش کردن با الگوهای متفاوتی از توانایی را داشته باشند و توانایی مهم و برجسته خود را کشف کنند و بر آن تسلط یابند.

یکی از واقعیت‌های مهم هستی وجود تنوع در میان پدیده‌های عالم است. این تفاوت‌ها نه تنها در میان جانوران و گیاهان وجود دارد. بلکه حتی اعضای هر گونه نیز با یکدیگر متفاوت‌اند. انسان‌ها نیز از این قاعده پیروی می‌کنند. انسان‌ها از لحاظ توانایی‌های ذهنی، یادگیری (Learning)، روش‌های آموختن، سبک و سرعت یادگیری، علاقه (Interest)، انگیزش، هوش، خرد، خلاقیت با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند. Sternberg a [۱] نشان داد که توجه به تفاوت‌های فردی یادگیرندگان از سوی معلمان در بهبود کیفیت یادگیری و ارتقای

اهداف اصلی همه مدارس محسوب می‌شود که اولیای مدرسه به دنبال دستیابی آن با روش‌های گوناگون هستند تا به خواسته‌های والدین پاسخگو باشند، بنابراین اگر الگوی آموزش به تفاوت‌ها توجه کند، لذا به مدارس کمک می‌کند که در مجموع سطوح بالاتری از عملکرد را در دانش‌آموزانشان ایجاد کنند. از طرفی مهم‌ترین منابع ارزشمند هر جامعه، استعداد‌های انسانی آن است، آموزش در جهت پرورش هوش موفق و خردمندی این اطمینان خاطر را به وجود می‌آورد که جامعه بتواند از منابع انسانیش استفاده بهتری کند و استعدادهای موجود در آن جامعه به هدر نروند [5].

دستیابی به اطلاعات درباره هوش و خرد در تدریس می‌تواند به معلمان آگاهی بدهد تا پرسش و پاسخ‌هایی را در کلاس مطرح کنند که خلاقیت دانش‌آموزان را افزایش بدهد؛ به عبارت دیگر سوالاتی با انگیزه بیشتر که موجب بینش و خلاقیت در دانش‌آموزان گردد نه سوالات دانشی که پایین‌ترین سطوح دانش را می‌سنجد.

هوش موفق (Successful intelligence) مجموعه منسجمی از توانایی‌های فرد است تا بتواند در زندگی خود موفقیت کسب کند؛ به عبارت دیگر آن‌ها بین توانایی‌های تفکر تحلیلی، خلاق و عملی تعادلی برقرار می‌کنند. افراد موفق بر نقاط قوت و ضعف خود آگاهی دارند و می‌توانند نقاط ضعف خود را شناسایی و اصلاح کنند. افراد با هوش موفق، با استفاده از تعادلی که میان توانایی‌های تفکر تحلیلی، خلاق و عملی برقرار می‌کنند به انطباق با محیط، تغییر و انتخاب آن دست می‌زنند [6]؛ به عبارت دیگر افراد دارای هوش موفق، در زندگی موفق‌اند، نه به این دلیل که از ضعف‌ها به دور هستند بلکه آن‌ها می‌دانند ضعف‌هایشان در کدام قسمت است و چطور می‌توانند آن را اصلاح و جبران کنند.

هوش تحلیلی (Analytical Intelligence) به توانایی انسان در برخورد با مسائل زندگی گفته می‌شود و معرف توانایی کلامی، تفکر انتزاعی، پردازش اطلاعات می‌باشد؛ به عبارت دیگر همان توانایی‌های تحصیلی است که عموماً توسط آزمون‌های هوشی موجود اندازه‌گیری می‌شوند. هوش آفریننده (خلاق) (Creative Intelligence) شامل فرآیندهای کشف، تجسم کردن و تولید اندیشه‌های تازه است. هوش عملی (Practical Intelligence) شامل به کار بردن، اجرا کردن، تمرین کردن و استفاده از آنچه که

در واقع، این امکان را می‌توان از طریق آموزش هوش موفق و پرورش توانایی‌های سه‌گانه یعنی؛ توانش تحلیلی، خلاق و عملی در دانش‌آموزان ایجاد کرد [2].

در بسیاری از موارد، فقط بر یک جنبه از توانایی‌ها توجه شده و موارد دیگر نادیده گرفته می‌شود، برای مثال استرنبرگ [3] نشان داد که در برنامه‌های آموزشی مدارس بر هوش تحلیلی تأکید زیادی می‌گردد. درحالی‌که به دو جنبه دیگر هوش، یعنی هوش خلاق و عملی که برای زندگی موفقیت‌آمیز حیاتی است، کمتر توجه شده یا اصلاً توجهی نمی‌شود. در واقع، مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای به دست آوردن موفقیت در زندگی یک فرد مورد نیاز است. موفقیت می‌تواند تنها در بافت فرهنگی-اجتماعی تعریف شود. موفقیت در انتزاع و تجرید رخ نمی‌دهد؛ بلکه با توجه به مجموعه‌ای از ملاک‌ها یا انتظارات خود فرد و دیگران، شکل می‌گیرد. برای این که افراد در زندگی موفق شوند نیاز دارند تا در مهارت‌هایشان به خوبی عمل کنند. افرادی موفق‌اند که بتوانند از توانایی‌های تفکر تحلیلی، خلاق و عملی برای رسیدن به موفقیت استفاده کنند.

جوامعی که در زمینه علم و آموزش سرمایه‌گذاری بیشتری کردند و با تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز علمی معتبر و با شیوه‌های تدریس و آموزشی مناسب‌تر توانستند گوی سبقت را در پیشرفت برابند، کسانی بودند که توانستند با دیگر جوامع ارتباط زبانی و گفتاری برقرار کنند. لذا اولین راه ارتباطی بین دو یا چند نفر، زبان است؛ به عبارت دیگر زبان در پیچ‌های برای مرادوات، تبادل اطلاعات، اقتصاد، سیاست و دانستنی‌های جدید است [4]. از طرفی با وجود شبکه‌های اجتماعی و اینترنت یادگیری زبان یک نیاز و ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. اهمیت بررسی این متغیرها وقتی نمایان‌تر می‌شود که گاهی اوقات مشاهده می‌شود دانش‌آموزی در کلاس برخلاف داشتن استعداد و توانایی بالا، توجهی به درس زبان ندارد و از آن لذتی نمی‌برد، و یا معلمی بر خلاف این که خیلی خوب تدریس می‌کند ولی موفقیتی کسب نمی‌کند، در نتیجه باید مشکل را در عدم آگاهی معلم در مورد تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان هم‌چون هوش موفق، خرد و خلاقیت دانست و نه عملکرد هوشی و استعداد دانش‌آموزان.

با توجه به این که امروزه کسب میانگین نمرات بالاتر جزء

افراد خردمند لزوماً حقایق بیشتری را نسبت به سایر مردم نمی‌دانند، بلکه آن‌ها معانی عمیق‌تری از حقایق عموماً شناخته‌شده برای خودشان و دیگران را درک می‌کنند. لازمه کشف معانی عمیق‌تر پدیده‌ها و رویدادها این است که به جای واکنش صرف به پدیده‌ها و رویدادها، وقت گذاشت و آن‌ها را از منظرهای متفاوت بررسی کرد. در کل، هدف اصلی خرد دنبال کردن حقیقت یا توانایی دیدن واقعیت آن‌گونه که هست، می‌باشد [۱۴].

یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم (Second Language Learning) یکی از مسائلی است که امروزه توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. یکی از دغدغه‌های مهم افراد در دنیای امروز برآمدن و موفق شدن در این امر مهم است. یادگیری زبان انگلیسی می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد. گاهی افراد نیاز دارند زبان دیگری را فرا بگیرند تا بتوانند به راحتی با افراد کشورهای دیگر مراوده داشته باشند و گاهی نیز این امر به واسطه آن که فرد در امر تجارت و یا صادرات و واردات قرار دارد نیازمند یادگیری زبانی دیگر است. یادگیری زبان انگلیسی را می‌توان به‌طور کلی از چندین جنبه مورد مطالعه قرار داد که برخی از آن‌ها عبارتند از: ساختار شناسی (Syntax)، معنی‌شناسی (Semantic) و کاربردشناسی (Pragmatics) در میان مردم به‌طور واقعی.

اساس هوش که توسط هوش موفق تعریف و مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد جنبه تحلیلی هوش موفق را در بر می‌گیرد. پایه و اساس خرد نیز جنبه عملی هوش موفق است که به صورت تلویحی (مستتر) در مفاهیم نهفته است و در نهایت در عمل جلوه می‌کند [۱۵]. هوش موفق را می‌توان پایه و اساس خرد دانست. می‌توان گفت که دو عنصر هوش موفق و خرد در عین جدا بودن و انجام وظایف متفاوت از یکدیگر، با یکدیگر نیز ارتباط معناداری دارند، به‌طوری که پایه و اساس عنصر خرد، هوش موفق است [۱۶].

به‌طور کلی هدف اصلی این تحقیق بررسی روابط هوش موفق و خرد در یادگیری زبان انگلیسی است. آیا بین هوش موفق و خرد در یادگیری زبان انگلیسی رابطه وجود دارد؟ رابطه کلی بین این متغیرها چگونه است؟ در این تحقیق بر آن هستیم تا به این سؤالات پاسخ بدهیم.

فرد در موقعیت‌های رسمی و غیررسمی آموخته است، می‌باشد. این افراد می‌توانند با جنبه‌های متغیر محیط خود سازگار شوند و در صورت لزوم به تغییر محیط خود هم بپردازند [۷].

استرنبرگ [۸] می‌گوید دانش‌آموزان در مدرسه به دلیل تفاوتشان در این سه هوش نگاه‌های متفاوتی دارند. دانش‌آموزانی که توانایی تحلیلی بالایی دارند، مناسب مدارس رایج فعلی هستند. آن‌ها در کلاس‌هایی که در آن‌ها آموزش مستقیم داده می‌شود یعنی در آن‌ها معلم سخنرانی می‌کند و آزمون‌های عینی برگزار می‌شود، غالباً عملکرد خوبی دارند. آن‌ها باهوش محسوب می‌گردند، نمرات خوبی می‌گیرند، در آزمون‌های سنتی هوش و آزمون سنجش تحصیلی نمرات خوبی می‌گیرند و بعداً در دانشگاه‌های معتبر قبول می‌شوند. دانش‌آموزانی که هوش خلاقانه بالایی دارند معمولاً جزء نمرات اول کلاس هستند. استرنبرگ می‌گوید آن‌ها نمی‌توانند تکالیف را بر وفق مراد معلم انجام بدهند. آن‌ها به جای دادن جواب‌های معمولی، جواب‌های غیر معمولی می‌دهند، به همین دلیل نیز مورد مؤاخذه قرار گرفته و نمرات پایینی می‌گیرند. دانش‌آموزانی که هوش عملی بالایی دارند نیز مثل دانش‌آموزان خلاق معمولاً طبق انتظار مدرسه عمل نمی‌کنند، با این حال مهارت‌های اجتماعی بالایی دارند. آن‌ها در بزرگسالی، مدیران، بازرگانان و سیاستمداران موفق می‌شوند هر چند نمرات درسی خیلی بالایی ندارند.

تعاریف گوناگونی از نظریه پردازان خرد (wisdom) ارائه شده است که تعدادی از این تعاریف عبارتند از: مهارت، قصد و کاربرد تجربیات مهم زندگی در تسهیل رشد مطلوب خود و دیگران [۹]، یکپارچگی شناختی، تأملی و عاطفی فرد [۱۰]، تعادل میان منافع درون‌فردی، بین‌فردی و برون‌فردی به منظور انطباق، تغییر و انتخاب محیط [۱۱]، یک فرایند شناختی، یک راهنمای کامل برای یک زندگی خوب و مطلوب [۱۲]، یک ویژگی فراشناختی همراه با دانایی، دانستن این که یک فرد همه چیز را نمی‌داند و جستجو کردن حقیقت [۱۳]. خرد ترکیبی از عوامل عاطفی و جنبه‌های شناختی از توانایی‌های انسان در پاسخ به مشکلات زندگی است. خرد تعادل بین احساسات شدید، کنش و واکنش، دانستن و ندانستن است. خرد با تجربه و سن افزایش می‌یابد اما این بدان معنا نیست که لزوماً در سنین بالا وجود خواهد داشت [۱۳].

و عاطفی (۱۳ سؤال) تشکیل شده است که به منظور سنجش خرد به کار می‌رود. این سؤالات به دو گروه تقسیم شده‌اند که گروه اول سؤالات شامل ۲۴ سؤال است و نمره‌گذاری به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای است که برای گزینه‌های «کاملاً در مورد من صحیح است»، «تا حدودی در مورد من صحیح است»، «نظری ندارم»، «تا حدودی در مورد من صحیح نیست» و «اصلاً در مورد من صحیح نیست» به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته می‌شود. گروه دوم از ۱۵ سؤال که نمره‌گذاری پرسش‌نامه به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای است که برای گزینه‌های «کاملاً مخالفم»، «مخالفم»، «نظری ندارم»، «موافقم» و «کاملاً موافقم» به ترتیب امتیازات ۵، ۴، ۳، ۲ و ۱ در نظر گرفته می‌شود. پایایی این آزمون با توجه به سه مؤلفه شناختی، انعکاسی و عاطفی و بر اساس نتایج ترتیبی، به ترتیب ۰/۶۵، ۰/۶۵ و ۰/۵۷ و بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۶۳، ۰/۶۴، ۰/۵۴ به دست آمد. پایایی کل آزمون در پژوهش حاضر در گروه دختران ۰/۸۷۴ و در گروه پسران ۰/۸۷۵ به دست آمد.

۳- یادگیری زبان انگلیسی

در این پژوهش به منظور بررسی یادگیری زبان آموزان انگلیسی، از نمره پایان ترم افراد که بین ۰ تا ۱۰۰ بوده است، استفاده شده است. این نمره‌گذاری بر چهار بخش تقسیم شده است که عبارتند از: ۱- شنیداری (Listening) با ۲۵ نمره. ۲- مکالمه کردن (Speaking) با ۲۵ نمره. ۳- گرامر و ساختار شناسی (Grammar and Structure) با ۲۵ نمره. ۴- خواندن و درک مطلب (Reading Comprehension) با ۲۵ نمره.

یافته‌ها

در این قسمت، یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه‌های توزیع شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف (Kolmogorov - Smirnov)

در ابتدا برای اینکه مشخص کنیم که برای آزمون فرضیه‌ها، از آزمون‌های پارامتریک استفاده شود یا از آزمون‌های نا پارامتریک، از آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف جهت مشخص کردن نرمال یا غیر نرمال بودن مؤلفه‌های مدل استفاده می‌شود.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف جزو پژوهش‌های کاربردی و از نظر نحوه جمع‌آوری داده‌ها جزو پژوهش‌های توصیفی (غیرآزمایشی و هم‌بستگی) محسوب می‌شود که هدف آن تعیین رابطه و پیش‌بینی متغیرها بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه زبان‌آموزان زبان انگلیسی دختر و پسر شهرستان‌های قائم‌شهر، بابل، ساری که در سال ۹۷ - ۱۳۹۶ در ۸۲ مرکز آموزشی مشغول به تحصیل بودند تشکیل می‌دهد. در این پژوهش حجم نمونه (۶۲۵) آزمودنی به روش طبقه‌ای انتخاب گردید که از این تعداد (۳۵۱ نفر) پسر و (۲۷۴ نفر) دختر بودند.

ابزارهای اندازه‌گیری: برای جمع‌آوری داده‌های این پژوهش از دو پرسش‌نامه (پرسش‌نامه هوش موفق استرنبرگ، مقیاس سه بعدی خرد آردلت) استفاده شد که قبلاً روایی و پایایی آن‌ها نیز به اثبات رسیده است. سپس با نمره پایانی زبان آموزان مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

۱- پرسش‌نامه هوش موفق استرنبرگ

پرسش‌نامه هوش موفق توسط استرنبرگ [۱۷] طراحی شده است و شامل ۱۲ خرده‌آزمون است که سه خرده‌آزمون مؤلفه‌های تحلیلی، خلاق و عملی را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسش‌نامه دارای ۳۶ گویه است که هر مؤلفه شامل ۱۲ سؤال است. ۱۲ سؤال مؤلفه‌های تحلیلی، ۱۲ سؤال مؤلفه‌های خلاق و ۱۲ سؤال آخر مؤلفه‌های عملی را می‌سنجند. افراد روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (عالی=۵، خیلی خوب=۴، خوب=۳، نسبتاً خوب=۲، ضعیف=۱) به سؤالات پاسخ می‌دهند. حداکثر نمره در این آزمون ۱۸۰ و حداقل نمره ۳۶ نمره خواهد بود که این نمره‌ها به ترتیب با هم جمع می‌شوند و یک نمره کل برای هر آزمون به دست می‌آید که میزان هوش موفق فرد را نشان می‌دهد. پایایی پرسش‌نامه فوق در تحقیقات متعددی توسط استرنبرگ [۱۸]، [۱۷] بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۵ گزارش شده است. در پژوهش حاضر پایایی این ابزار بر اساس آلفای کرونباخ در گروه دختران ۰/۸۸۳ و در گروه پسران ۰/۸۸۷ به دست آمد.

۲- پرسش‌نامه خرد

پرسش‌نامه خرد توسط آردلت در سال ۲۰۰۳ ساخته شده است که از ۳۹ گویه و ۳ خرده‌مقیاس شناختی (۱۴ سؤال)، انعکاسی (۱۲ سؤال)

نتایج این آزمون در جدول ۱ برای دختران و جدول ۲ برای پسران آمده است.

جدول ۱. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف متغیرهای اصلی برای دختران

خرد عاطفی	خرد انعکاسی	خرد شناختی	هوش عملی	هوش خلاق	هوش تحلیلی		
۲۷۴	۲۷۴	۲۷۴	۲۷۴	۲۷۴	۲۷۴	تعداد داده	
۳/۴۰	۳/۱۷	۳/۵۰	۳/۵۶	۳/۳۸	۳/۶۱	میانگین	پارامترهای نرمال
۰/۸۳	۰/۹۱	۰/۹۵	۰/۸۸	۰/۹۵	۰/۸۵	انحراف معیار	
۱/۵۲	۱/۴۵	۲/۰۰	۱/۳۶	۱/۶۲	۱/۶۰	آماره Z کولموگروف-اسمیرنوف	
۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۱	مقدار Sig	

جدول ۲. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف متغیرهای اصلی برای پسران

خرد عاطفی	خرد انعکاسی	خرد شناختی	هوش عملی	هوش خلاق	هوش تحلیلی		
۳۵۱	۳۵۱	۳۵۱	۳۵۱	۳۵۱	۳۵۱	تعداد داده	
۳/۳۹	۳/۱۴	۳/۴۰	۳/۶۴	۳/۳۶	۳/۶۱	میانگین	پارامترهای نرمال
۰/۸۷	۰/۹۳	۰/۹۶	۰/۹۲	۱/۰۲	۰/۹۷	انحراف معیار	
۱/۶۲	۱/۴۱	۱/۸۹	۱/۷۳	۲/۰۴	۱/۷۸	آماره Z کولموگروف-اسمیرنوف	
۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	مقدار Sig	

برای تحلیل همبستگی استفاده می‌شود. آزمون فرضیه همبستگی به صورت زیر است:

فرضیه‌های تحقیق:

H₀: بین هوش موفق و خرد پسر و دختر در یادگیرندگان زبان انگلیسی رابطه وجود ندارد.

H₁: بین هوش موفق و خرد پسر و دختر در یادگیرندگان زبان انگلیسی رابطه وجود دارد.

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول ۳ نتایج آزمون را نشان می‌دهد. این جدول شامل ضریب همبستگی پیرسون، Sig و تعداد دادهها است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار Sig در دو گروه دختران و پسران، بیشتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه برای این متغیر فرضیه H₀ پذیرفته می‌شود و نرمال است؛ بنابراین فرض نرمال بودن توزیع پذیرفته می‌شود و برای آزمون کردن فرضیات از آزمون‌های پارامتریک پیرسون استفاده می‌شود.

نتایج آزمون همبستگی

در این قسمت، از ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون همبستگی استفاده می‌شود، زیرا این ضریب همبستگی برای داده‌هایی با توزیع نرمال یا تعداد زیاد استفاده می‌شود؛ بنابراین، از آنجایی که توزیع کلی پرسش‌نامه‌ها نرمال می‌باشد، بنابراین از این ضریب

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی برای هر دو جنسیت دختران و پسران

خرد عاطفی	خرد انعکاسی	خرد شناختی		
۰/۳۶۸**	۰/۲۸۵**	۰/۲۵۶**	همبستگی پیرسون	دختران
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	مقدار Sig (دو دامنه)	
۲۷۴	۲۷۴	۲۷۴	تعداد داده	
۰/۴۵۲**	۰/۴۴۲**	۰/۳۷۱**	همبستگی پیرسون	پسران
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	مقدار Sig (دو دامنه)	
۳۵۱	۳۵۱	۳۵۱	تعداد داده	

آموزش از طریق روابط (Communicative Language) می‌توان یادگیری را در زبان‌آموزان انگلیسی ارتقا داد.

در نهایت می‌توان گفت که افرادی که دارای هوش موفّق و خرد بالایی هستند در یادگیری زبان انگلیسی از راهبردهای گوناگونی استفاده می‌کنند که منجر به یادگیری بهتر و سریع‌تر لغات و جملات انگلیسی در آن‌ها می‌شود، راهبردهایی هم‌چون: طبقه‌بندی کردن (Classification)، تصویرسازی ذهنی (Mental Imaginary)، ایفای نقش (Role Playing)، استفاده از کلیدواژه (Keywords)، روش مکان‌ها (Method of Loci)، استفاده از واسطه‌ها (Mediators)، سرواژه (Acronym)، یادداشت‌برداری (Note Taking)، خلاصه کردن (Summarizing)، علامت‌گذاری و حاشیه‌نویسی (Mark and Annotate)، سازمان‌دهی کردن (Organization)، استفاده از نقشه مفهومی (Concept Map)، تبدیل متن درسی به طرح و نقشه و نمودار (Plans and Diagrams)، شیوه سؤال پرسیدن (Ask Question Method)، با هم مطالعه کردن (Studying Together)، مطالعه مشارکتی (Cooperative Script)، روش مستقیم آموزش زبان انگلیسی، آموزش از طریق روابط، سؤالات خلاقه باز پاسخ، موفقیت بیشتری کسب می‌کنند. پژوهش حاضر هم‌سو با تحقیقات پیشین، [۲۴]، پروژه رنگین کمان، استرنبرگ و گریگورنکو و زانک، ۲۰۰۸؛ به نقل از [۲۵]، [۲۶]، [۲۷]، پروژه کالیدوسکوپ [۲۸] که نشان می‌دهند: در آموزش هوش موفّق علاوه بر عناصر هوش و خلاقیت موجود در الگوی هوش موفّق، خرد نیز ضروری است. پژوهش حاضر هم‌چنین هم‌سو با پژوهشی است که توسط Spännäri [۲۹] با عنوان «بررسی خرد مشترک در گروه‌های مطالعه بزرگسالان فنلاند» انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین هوش موفّق و خرد بزرگسالان با رفاه اجتماعی هم‌بستگی مثبت و معنادار وجود دارد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی علاوه بر پرسش‌نامه‌های مورد نظر، از ابزارهای دیگر گردآوری اطلاعات نظیر مشاهده و مصاحبه نیز استفاده گردد. هم‌چنین مباحث هوش موفّق و خرد به معلمان و اساتید زبان انگلیسی آموزش داده شود تا روی دانش‌آموزان خود مورد استفاده قرار دهند.

بر اساس این جدول از آن جایی که مقدار sig (۰/۰۰۰) برای رابطه بین کلیه ابعاد خرد و هوش موفّق برای دو جامعه پسران و دختران کمتر از ۵ درصد می‌باشد فرض Ho رد می‌شود و هم‌بستگی بین ابعاد هوش موفّق و خرد تأیید می‌شود. ضریب هم‌بستگی پیرسون برای ابعاد خرد شامل خرد شناختی، خرد انعکاسی و خرد عاطفی برای دختران به ترتیب برابر با ۰/۲۵۶، ۰/۲۸۵ و ۰/۳۶۸ و برای پسران به ترتیب برابر با ۰/۳۷۱، ۰/۴۴۲ و ۰/۴۵۲ می‌باشد؛ بنابراین، فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود و بین هوش موفّق و خرد پسر و دختر در یادگیرندگان زبان انگلیسی رابطه وجود دارد. این ضریب در سطح خطای ۱ درصد نیز معنی‌دار می‌باشد که با علامت * * مشخص شده است. مثبت بودن ضریب هم‌بستگی بیانگر رابطه مستقیم و مثبت بین این دو متغیر می‌باشد.

بحث

نتایج به دست آمده هم در سطح ۰/۰۱ و هم سطح ۰/۰۵ هم‌بستگی معناداری بین متغیرهای هوش موفّق و خرد با نمره زبان را نشان داد. می‌توان گفت که افرادی که دارای هوش موفّق (تحلیلی، خلاق و عملی) و خرد بالایی هستند می‌توانند و می‌دانند که در موقعیت‌های گوناگون چگونه و چه زمانی از آن مهارت‌ها استفاده کنند تا کارایی یادگیری را افزایش بدهند [۱۹].

در این راستا یافته‌های مطالعات قبلی، [۲۰]، [۲۱]، [۲۲] هم‌سو با تحقیق حاضر نشان می‌دهد که بین هوش موفّق و خرد در یادگیری رابطه مستقیم وجود دارد. در یک مطالعه طولی مدت کوتاه مدت و برای بررسی این مطلب که آیا می‌توان خرد را افزایش داد، [۲۳] از مقیاس سه بعدی خرد (۳D-WS) استفاده کردند. آن‌ها از ۱۳۱ دانش‌آموز رشته فلسفه و از ۱۷۱ دانش‌آموز روانشناسی به عنوان نمونه استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان داد که بین آموزش خرد و افزایش خرد، در گروه آزمایش رابطه معناداری وجود داشت.

با توجه به مطالعات انجام شده و نتایج این تحقیق می‌توان گفت که با استفاده از جنبه‌های گوناگون هوش موفّق و خرد می‌توان یادگیری را در یادگیرندگان زبان انگلیسی ارتقا بخشید. برای مثال با شیوه‌هایی نظیر، بارش مغزی، یادگیری مطالعه گروهی، مشارکت گروهی، روش مستقیم (Direct Method) آموزش زبان انگلیسی،

نتیجه گیری

(Reasons for Writing)، شفاف‌سازی (Clarify)، انسجام درونی (Cohesion)، انسجام بیرونی (Coherence) استفاده کرد.

آموزش کشورهای متمدن بر اساس تحقیقات علمی بنا می‌شود و از آن جایی که تحقیق حاضر هم در این راستای تحقیقات علمی می‌باشد، بنابراین برای یادگیری بهتر و سریع‌تر، آگاهی و آموزش این متغیرها در یادگیری زبان انگلیسی کمک شایانی به زبان‌آموزان خواهد کرد تا بدون اتلاف هزینه و زمان بتوان یادگیری مناسب‌تر و باثبات‌تری در یادگیرندگان به وجود آورد. افرادی که این توانایی‌های خود را بشناسند و از آن به‌طور مناسب‌تری استفاده نمایند بسیار موفق خواهند شد.

سپاس‌گزاری

نویسندگان مطالعه حاضر، از کلیه زبان‌آموزان شرکت‌کننده در پژوهش نهایت تشکر و قدردانی را دارند.

تأیید به اخلاقی

در مرحله اجرای تحقیق ملاحظات اخلاقی شامل جلب رضایت، دادن اطمینان به آزمودنی‌ها مبنی بر محرمانه بودن پاسخ‌هایشان و دادن اختیار برای خروج از پژوهش در هر مرحله از پژوهش، رعایت شد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارضی در منافع بین نویسندگان وجود ندارد.

در پایان می‌توان گفت که این سه متغیر با یکدیگر رابطه معناداری دارند، لذا آموزش در یادگیری هر جنبه موجب افزایش یا کاهش در جنبه‌های دیگر می‌گردد، بنابراین سعی می‌شود تا با راهبردهای گوناگون از جمله راهبردهای مطرح شده در زیر، همراه با تکنیک‌های خلاقانه‌ای نظیر داریست‌بندی کردن (Scaffolding)، بارش مغزی (Brainstorming) توانایی هوش موفق و خرد را در یادگیرندگان زبان انگلیسی، در چهار مهارت زیر ارتقا بخشید:

۱- در Listening می‌توان از تکنیک‌های زیر استفاده کرد: بالا به پایین (Top-Down) پایین به بالا (Bottom-Up)، اسکن کردن کلمات کلیدی (Scanning for Key Information)، اسکن کردن مغز مطالب (Listening for Gist)، پیش‌بینی کردن (Predicting)، استنباط کردن (Inferring)، کنترل کردن (Monitoring).

۲- در Speaking می‌توان از تکنیک‌های: روان صحبت کردن (Fluency)، کار گروهی (Group Work)، نقش بازی کردن (Role-Play)، تقلید کردن (Simulation) استفاده کرد.

۳- در Reading می‌توان از تکنیک‌های: اسکن کردن (Scanning)، اجمالی خواندن (Skimming)، استفاده از لغات جدید (New Vocabulary) استفاده نمود.

۴- در Writing می‌توان از تکنیک‌های: شناسایی دلایل نوشتن

References

1. Sternberg R. Why Real-World Problems Go Unresolved and What We Can Do About It: Inferences from a Limited-Resource Model of Successful Intelligence. Published 13 Sep 2018 in Journal of Intelligence volume 6 issue 3 on page 44. 2018 a. DOI: 10.3390/jintelligence6030044.
2. Sternberg R J, Jarvin L, Grigorenko E L. Teaching for Wisdom, Intelligence, Creativity, and Success. Crown press, a sage publications company. 2009.
3. Sternberg R. ACCEL: A New Model for Identifying the Gifted. published 3 Jul 2017 in Roeper Review. Volume 39 issue 3 on pages 152 to 169. DOI: 10.1080/02783193.2017.1318658.
4. Weststrate N M, Fournier M A. Sowing the seeds of wisdom: a longitudinal study of childhood antecedents of wisdom. Published 1 Nov 2018 in Innovation in Aging volume 2 issue suppl_1 on pages 553 to 554. 2018. DOI: 10.1093/geroni/igy023.2045
5. Boccio C, Beaver K, Schwartz J. The role of verbal intelligence in becoming a successful criminal: Results from a longitudinal sample. published Jan 2018 in Intelligence. Volume 66. 2018. DOI: 10.1016/j.intell.2017.10.003
6. Sternberg R. Speculations on the Role of Successful Intelligence in Solving Contemporary World Problems. 2018 b. DOI: 10.3390/jintelligence6010004.
7. Renzulli S J. Reexamining the Role of Gifted Education and Talent Development for the 21st Century: A Four-Part Theoretical Approach. Published June 6, 2012 Research Article. <https://doi.org/10.1177/0016986212444901>
8. Santrock J W. Psychology (7th Edition). McGraw-Hill College. 2003.
9. Webster's College Dictionary. Merriam-Webster. 2007.
10. Ardel M. Development and empirical assessment of three-dimensional wisdom scale. Research on aging, 2003;

- 25 (3), 275-324.
11. Qayyum M A. Modelling wisdom in learning and decision making. Published 2018 in International Journal. volume12 issue 2 on page146. 2018. DOI: 10.1504/ijkl.2018.092052.
 12. Ardel M, Pridgen S, Pridgen K. The Relation Between Age and Three-Dimensional Wisdom: Variations by Wisdom Dimensions and Education. 2018a. DOI: 10.1093/geronb/gbx182
 13. Birren J E, Fisher L M. Conceptualizing wisdom: the primacy of affect-cognition relations. In R. J. Sternberg (Ed.), *Wisdom: Its nature, origins, and development* (pp. 317–332). New York: Cambridge University Press. 1990.
 14. Ardel M. The measurement of wisdom: A commentary on Taylor, Bates, and Webster’s comparison of the SAWS and 3D-WS. *Experimental Aging Research*, 2011; (37), 241-255.
 15. Stanovich K E, West R F, Toplak M E. *The rationality quotient: Toward a test of rational thinking*. Cambridge, MA: MIT Press. 2016.
 16. Sternberg J R. *Wisdom, Intelligence Creativity Synthesized*. New York: Macmillan. 2003.
 17. Sternberg R J. Older but not wiser? The relationship between age and wisdom. *Aging International*, 2005; 30 (1), 5-26.
 18. Sternberg R J. Applying psychological theories to educational practice. *American Research*, 45 (1). 2008.
 19. Sternberg R J, Kaufman J A, Grigorenko E L. *Intelligence applied*. (2nd Ed.). New York: Cambridge University Press. 2008.
 20. Hack M L. *Wisdom and Courage*. Published 15 Sep 2018. In *Physical Therapy* volume 98 issue10 on pages 830 to 843. 2018. DOI: 10.1093/ptj/pzy086
 21. Ardel M, Pridgen S, Pridgen K. Age and Three-dimensional Wisdom: Variations by Wisdom Dimensions and Education. 2018b. DOI: 10.1093/geroni/igy023.2043
 22. Staudinger U M, Lopez D F, Baltes P B. The psychometric location of wisdom related performance: Intelligence, personality, and more? *Personality and Social Psychology Bulletin*, 1997; (23), 1200-121.
 23. Bruya B, Ardel M. Wisdom can be taught: A proof-of-concept study for fostering wisdom in the classroom 2018. DOI: 10.1016/j.learninstruc.2018.05.001
 24. Sternberg R J, Forsythe G B, Hedland J, Snook S, Williams W M, et al. *Practical intelligence in everyday life*. New York: Cambridge University Press. 2000.
 25. Sternberg R J, Kaufman S B. *The Cambridge Handbook of Intelligence*. Cambridge University Press. 2011.
 26. Grigorenko E L, Jarvin L, Sternberg R J. School-based tests of the triarchic theory of intelligence: Three settings, three samples, three syllabi. *Contemporary educational psychology*, 2002; (27), 167-208.
 27. Sternberg R J, Grigorenko E L, Jarvin L. Improving reading instruction: The triarchic model. *Educational Learning*, 2001; 58 (6), 48-52.
 28. Sternberg R J. A balance theory of wisdom. *Review of General Psychology*, 1998; 2 (4), 347-365.
 29. Spännäri J. Reciprocity and Building Wisdom: Shared Wisdom in Older Adults’ group activities. 2018. DOI: 10.1093/geroni/igy023.2175

